



دکتر حسین مرعشی در تهران، ایران

گفت‌وگو با حسین مرعشی درباره خرید سهام سایپا و مسأله خصوصی سازی

دکترین کشور باید از سیاست به اقتصاد تغییر کند

گفت‌وگو

رضوانه رضایی‌پور - روزنامه نگار / یکشنبه‌ای که گذشت، یک هفته بعد از اینکه مشتری‌های «سایپا» پاکت پیشنهادهای مزایده را تحویل دادند، یک خبرسازی فرآیند فروش را دچار حاشیه کرد.

این حاشیه‌سازی نشان داد خصوصی‌سازی در ایران با چه موانعی روبه‌رو است. دلیل موانع می‌تواند این باشد که با هر واگذاری، بخشی از بازار ایران نصیب خریدار می‌شود.

چرا تمایل پیدا کردید سایپا را بخرید؟

ما تمایل پیدا نکردیم، خود دولت علاقه‌مند شده بود که سایپا و ایران خودرو را خصوصی کند. برای همین به کرمان موتور هم پیشنهاد داده بودند، چون کرمان موتور در بخش خصوصی از موفق‌ترین‌های خودروسازان نسل جدید ایران به حساب می‌آید. به این دلیل بود که وارد فرآیند خرید سایپا شدیم.

اما زمستان پارسال کرمان موتور در نامه‌ای اعلام کرد می‌توانیم سایپا را بخریم.

تمایل ما برای خرید سایپا براساس گفت‌وگوهایی بود که با آقای علی‌آبادی وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت انجام شده بود. آقای علی‌آبادی خیلی بر این موضوع تأکید داشتند.

یعنی علی‌آبادی، وزیرصمت دولت آقای رئیسی این را مطرح کردند؟

بله، ایشان اصرار داشتند. به این دلیل که تکلیف خودروسازان کشور معلوم است. به این معنی که الان دو مجموعه بزرگ قطعه‌ساز در ایران هست؛ یعنی شرکت‌های کروز و عظام. از سوی دیگر سه مجموعه مشخص خودروسازی هم در کشور وجود دارد. یکی از آنها شرکت مدیران خودرو است که مدیران آن به دنبال ساخت و تولید داخلی نرفتند و در همان سطح مونتاژ باقی ماندند. شرکت دیگر، کرمان موتور است که به یک خودروساز تبدیل شده و حالا ۷۵ درصد قطعات برخی از خودروهای آن ساخت داخل است.

کرمان موتور زودی اولین خودروهایی را که پلنفرم آنها محصول طراحی خود شرکت است روانه بازار می‌کند. شرکت سوم هم گروه خودروسازی بهمن است. نکته دیگر درباره این تحولات اینکه، اساساً شرکت کروز سهامدار اصلی ایران خودرو را به بازار خرید، خریداری کرد. حالا هم اگر این فرآیند، یعنی خرید سهام سایپا و به دست گرفتن مدیریت آن، یک مأموریت ملی برای ارتقای صنعت خودروسازی کشور باشد، ما موافق هستیم که این اتفاق بیفتد. در غیراین صورت، ما خودمان در کرمان موتور در مسیر درستی جلو می‌رویم و هیچ نیازی به سایپا نداریم.

اما الان یک رقابت جدی برای خرید سهام سایپا شکل گرفته است. اشکال ندارد. ما الان منتظر اظهارنظر «ایدرو» برای اعلام صلاحیت‌ها درباره مشتری‌های خرید سهام سایپا هستیم. اگر قرار باشد کسانی برای خرید سهام سایپا مطرح باشند که صلاحیت فنی این کار را نداشته باشند، ما حتماً کنارگیری

علاوه بر شما، گروه انتخاب، پایک زنجان و خانواده گرامی هم مشتری سهام سایپا هستند. چرا اینها می‌خواهند سایپا را ۵۲ درصد بخرند؟

اینکه این افراد یا شرکت‌ها علاقه‌مند

«تصاحب سهم در بازار داخلی» یعنی شرکت‌های خصوصی شده کمتر به خلق ثروت یا جذب فناوری‌های جدید کمک کرده‌اند. آنچه عملاً اتفاق افتاد، تصاحب بازار داخلی و تقسیم مالکیت شرکت‌ها به چند نهاد و بخش است.

با حسین مرعشی که شرکت زیرمجموعه اش، یعنی کرمان موتور، مشتری سایپا است گفت‌وگو کردیم. این گفت‌وگو یک هفته پیش از حواشی اخیر انجام شد.

هستند بخزند، خب می‌توانند علاقه‌مند باشند. اما این دولت است که باید در این باره تصمیم بگیرد. توصیه‌ها به آقای مقیمی در «ایدرو» (فرشاد مقیمی، معاون وزیر و رئیس هیأت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران موسوم به ایدرو) این بود که هر کسی می‌خواهد باید و سهام سایپا را بخرد، اولاً باید حداقل یک پارتنر (شریک) تولیدکننده خودرو باشد. یعنی این خریدار باید از نظر فنی پشتوانه لازم را داشته باشد. اگر خریدار این زمینه را ظرفیت را ندارد، بهتر است

پک کری خانی راه افتاد. آقای پاک زنجانی، شما را مخاطب قرار دادند و گفتند باید دو میلیارد دلار نقد داشته باشید، شما ندارید، اما امن دارم.

اینها دیگر خیلی بیگانه است. کشور ما از عجیب‌ترین کشورهاست. طرف تا مرز اعدام پیش می‌رود، اما بعداً برمی‌گردد و مدعی داشتن چند میلیارد دلار نقدینگی هم می‌شود. من نمی‌دانم آیا هنوز بدهی‌هایی که به شرکت ملی «نفت» داشته، پرداخت شده یا نه. البته به من هم مربوط نیست، اما قاعدتاً چنین شخصی نباید برای دیگران کری بخواند و ادعای ثروت کند.

شما می‌گویید آقای علی‌آبادی در دولت آقای رئیسی به شما گفت کرمان موتور با تجربه‌ای که دارد، باید ۴۲ درصد سهام سایپا را بخرد؟

اصلاً بحث ۴۲ درصد از سهام سایپا اخیراً مطرح شد. آنچه که با آقای علی‌آبادی بحث می‌کردیم، این بود که در مجمع مدیریت سایپا، می‌توانند سه کرسی مدیریتی را به کرمان موتور بدهند و کرمان موتور، سایپا را روی قرم بیاورد. مقصود این بود. اساساً ما به دنبال خرید سهم نبودیم. اخیراً «ایدرو» آمده، فراخوان داده و اعلام کرده که قانون برنامه هفتم حکم کرده و براساس این حکم مکلف هستند تکلیف سهام دولتی سایپا را تا پایان امسال مشخص کنند و اگر تکلیف این سهام را مشخص نکنند، جریمه به آنان تعلق می‌گیرد و حتی در سال بعد حق رأی آنان در مجمع سایپا از بین می‌رود، برای همین خواستند تا تکلیف این ۳۲ درصد سهام را مشخص کنند. آن رقم ۴۲ درصد از سهام سایپا درست نیست، رقم درست آن ۳۲ درصد از سهام است. به این دلیل که ۱۰ درصد از این سهام، متعلق به تعاونی کارکنان سایپا است که ربطی به شرکت خودروسازی سایپا ندارد. کارکنان سایپا و شرکت خودروسازی سایپا دو شخصیت مستقل از هم هستند. بنابراین، ما اصلاً بنا بر خرید سایپا نداشتیم. بنای ما این بود که در مدیریت به دولت کمک کنیم تا سایپا را از زیان انباشته خلاص کنیم، کیفیت محصولاتش را بالا ببریم و آن را تبدیل به خودروساز روز کنیم.

وقتی شرکت فروخته شد، مسیر بعدی شرکت در قانون، مقررات و آیین‌نامه مشخص می‌شود. بنابراین کسی که ایران خودرو را می‌خرد، باید فقط مقررات نیست که اهمیت دارد، بررسی صلاحیت هم هست. کسی که می‌خواهد راننده کامیون شود، قبل از

ولی بزرگ و تأثیرگذار نیستند. چرا هستند. کم نداریم واحدهای بزرگی که کار خودشان را می‌کنند. ببینید! وقتی تصمیم گرفتیم شرکت‌های بزرگ دولتی را خصوصی کنیم، در جریان خصوصی‌سازی که عمدتاً در دوران آقای احمدی‌نژاد اتفاق افتاد، نهاد جدیدی به

عنوان «شرکت‌های خصولتی» در اقتصاد ایران شکل یافت. اگر این وضعیت یعنی وجود شرکت‌های خصولتی را به عنوان یک مرحله انتقالی بگیریم، قابل تحمل می‌شود، اما اگر قرار باشد شرکت‌های خصولتی حضور دائمی و همیشگی در اقتصاد داشته باشند، نمی‌شود کاری کرد. مثالی بزنم: این طور نمی‌شود که ۲۰ درصد سهام شرکت ملی صنایع مس ایران در دست صندوق بازنشستگی کشوری باشد و ۱۰ درصد سهام آن در دست سهام عدالت. در چنین وضعیتی از اقتصاد و مدیریت، نه هیچ وزیری بر موضوع و بخش‌های تحت مدیریت خود مسلط است و نه هیچ بخش خصوصی. این شرایط، صورت بسیار بدی دارد. البته این وضعیت مختص شرکت‌هایی است که متعلق به دولت بودند و در جریان خصوصی‌سازی، نهادهای عمومی بر آنها حاکم شدند و به همین دلیل است که می‌بینیم مدیریت این شرکت‌ها متفرق است و به دلیل همین تفرق، کار اداره آنها هم سخت شده است. طول خواهد کشید که در این شرکت‌ها هم بخش خصوصی نیرومند پیدا شود و بتواند نقش نهاد فنی مدیریتی را در این شرکت‌های سابقاً دولتی بر عهده بگیرد. این کار باید پیجده‌ای است. اما غیر از اینها، همین حالا در متن اقتصاد ایران شرکت‌های خصوصی خوبی در صنایع پتروشیمی یا فولاد حضور دارند. همین حالا کم نیستند شرکت‌هایی که خصوصی هستند و خوب حرکت می‌کنند و رشد هم داشته‌اند.

مسیر ایران خودرو یا سایپا خصوصی‌سازی واقعی است؟ البته اینجا هم مسیر واگذاری‌ها باز مالکیت جمعی سهام است.

درباره ایران خودرو، به نظر من مسیر خصوصی‌سازی واقعی این شرکت حرکت شد. چون قطعه‌سازانی که خریدار شرکت بودند، بخش خصوصی بودند که توانستند در حال اجتماع کنند و وارد شوند و در مراح بعد هم به صورت خرد خرد سهام ایران خودرو را در بازار خریدند و همین باعث شده بود که از قبل سه کرسی مدیریتی در ایران خودرو داشته باشند. البته دولت اجازه نمی‌داد تا این شرکت‌ها به رغم داشتن این کرسی، بر ایران خودرو مدیریت اعمال کنند. اما به هر حال در مقطعی دولت تصمیم گرفت این شرکت‌ها، مدیریت را اعمال کنند. مجموعه اینها به این معنی است که مسیر فنی در ایران خودرو، مسیر خوبی است که به‌روشنی جلو می‌رود. اما درباره سایپا؛ هنوز نمی‌دانیم که مسیر چگونه است.

عمده‌نتیجه خصوصی‌سازی‌های حاکمی در ایران خودرو یا سایپا، جایگزینی واردات است. یعنی وقتی شرکت دولتی خریداری می‌شود، هدف این نیست که صادرات داشته باشد، هدف این است که سهم بیشتری از تجارت داخلی را به دست بیاورد.

خودروسازی

نه، اینطور نیست.

اگر مدیریت سایپا را به دست بگیرد، چه چشم‌اندازی دارید؟

منشأ مسأله جایگزینی واردات، این بود که نقش نفت در اقتصاد ایران غالب شد. نفتی منابعی را برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کرد که آن منابع باید مصرف می‌شد، چرا که دولت می‌خواست این منابع حاصل از نفت را به ریال تبدیل کند. بنابراین دولت باید اجازه واردات می‌داد. برای همین بعد از مدتی اجازه داده شد به جای کالای ساخته‌شده در داخل و اینکه این کالا روانه بازار داخلی شود، قطعات وارد کشور شود که در نتیجه صنعت مونتاژ در کشور راه افتاد. در دوره‌های اخیر که اقتصاد ایران بزرگ‌تر و اندازه نفت در اقتصاد کوچک‌تر شد، سهام نفت هم کاهش یافت و این، یعنی دیگر شرایط آن گونه نیست. گما اجازه امروز صنایع فولاد و پتروشیمی صادرات محور هستند، یعنی استراتژی جایگزین واردات ندارند، بلکه استراتژی شان توسعه صادرات است.

گفت‌وگو

کار اشکال دارد. یعنی دولت در نرخ‌گذاری برق دخالت کرده، در ظاهر نرخ‌ها را به نفع مصرف‌کننده پایین آورده و مثلاً به کشاورز می‌گوید قیمت برق برای هر کیلووات ساعت ۲۰ تومان است، در صورتی که قیمت این برق حداقل ۲ هزار و ۵۰۰ تومان است.

نتیجه این می‌شود که در تابستان که کشاورز برق لازم دارد، باید ۵ ساعت برق را خاموش کند. در ظاهر با قیمت‌گذاری دسترسی دارید از کشاورز یا مصرف‌کننده حمایت می‌کنید، اما در نهایت دارید به مشکلات او اضافه می‌کنید تا جایی که نمی‌توانید برق او را تأمین کنید.

این، همان تحریم داخلی است، یعنی اجازه نمی‌دهید قیمت تمام‌شده برق، به مصرف‌کننده گرفته شود، ۴ ساعت به او خاموشی می‌دهید.

توسعه صنعتی پایدار، نتیجه «پروژه مشترک» بخش خصوصی و دولت است. اما در ایران پروژه مشترکی وجود ندارد. دولت همیشه از اقتصاد خواسته فشارها را تحمل کند تا حمایت سیاسی جلب کند. قیمت‌گذاری برای جلب حمایت مصرف‌کننده است. نه توسعه.

توسعه اقتصاد ایران چند پیش شرط دارد؛ اولین آنها این است که نا اقتصاد به مسأله اول کشور تبدیل نشود، یعنی تا زمانی که دکترین کشور به اقتصاد تغییر نکند، اتفاقی نمی‌افتد. ما ادامه این وضع، صرفاً یک زندگی جاری و عادی خواهیم داشت، با رشد حادتر یک یا دو درصد.

الان دکترین مادر کشور چیست؟

دکترین ما سیاست‌ورزی است، اقتصادی نیست. تا این دکترین تغییر نکند، نمی‌شود کاری کرد. البته بر اساس تغییر دکترین باید روابط بین الملل هم درست شود. بر اساس همین دکترین با اقتصاد باید مطابق با رویکردهای اقتصادی برخورد شود، نه رویکردهای سیاسی یا اجتماعی. مثلاً امروز به محض اینکه کالایی گران می‌شود، می‌گوییم صادرات متوقف شود، زیرا می‌خواهیم فوراً حمایت مصرف‌کننده را جلب کنیم و توجهی به پیامد اقتصادی این تصمیم مورد نیاز را نداشته باشند. این وضعیت بسیار کم اتفاق افتاده است. بنابراین، آنچه در ایران به عنوان مسائل جدی بخش خصوصی مطرح است، یکی این است که بخش خصوصی با تحریم‌های بین‌المللی روبه‌روست که دسترسی او را به بانک و فناوری جدید و بازار محدود می‌کند. از سوی دیگر در داخل هم هیچ پروژه‌ای از بخش خصوصی نیست که بانک‌ها بتوانند آن را پشتیبانی کنند، حتی پروژه‌های کوچک را.

اما شما برای تأمین نقدینگی خرید سایپا، با بانک شهریک کنسرسيوم تشکیل دادید که رقیب شما آقای زنجانی برای همین از شما انتقاد کرد.

اینها با بانک حرف‌هایی هست که رقیبا ممکن است علیه یکدیگر بزنند. اما درباره تأمین مالی، تا زمانی که شرایط ایران به لحاظ روابط بین الملل و داخلی درست نشود، نمی‌توان کاری کرد. این مسأله مشکلات زیادی برای اقتصاد ما داشت. همین الان مگر کشور با مشکل برق روبه‌رو نیست؟ چرا وضع برق به اینجا رسید؟ در دوره آقای زنکته و بطرف در وزارت نیرو و حتی در دوره احمدی‌نژاد، رشد تولید برق سالانه بیش از ۷ درصد بود. در آن دوران تقریباً متوسط نرخ فروش برق سه سنت (CENT) بود. امروز وقتی نرخ فروش برق کمتر از یک سنت می‌شود، طبیعی است که سرمایه‌گذاری اتفاق نمی‌افتد، خطوط انتقال توسعه نمی‌یابد و نیروگاه‌های متسهلك جایگزین نمی‌شوند. من به آقای پزشکیان گفتم که ما در گره اقتصادیمان، سه نیروگاه داریم که به صندوق توسعه ملی بدهکار هستند. الان در به در این سه نیروگاه که می‌کند که این سه نیروگاه را مجانی به او واگذار کنیم. وقتی شما تولیدکننده برق را به نقطه‌ای رساندید که می‌گوید حتی حاضرم نیروگاه‌م را مجانی واگذار کنم و بروم، معنی‌اش این است که یک جای

آقای همتی گفته بود باز ارز ترجیحی سالانه ۲۰۰ همت‌رانت توزیع شده است. خروجی نامدو این رانت کجا دیده می‌شود؟

حرف ایشان مقداری بزرگ‌نمایی است. بالاخره وقتی تصمیم می‌گیرید دارو ارگان نکنید، آن هم به این دلیل که شرکت‌های بیمه نمی‌توانند هزینه‌های دارو را تأمین کنند، ناچار بداز ۲۸ هزار تومانی به دارو اختصاص دهید. اگر این کار نکنید، چکار کنید؟ این طور نیست که همه ارز دارو تلف شود.

چند بخش از این پول به بیرون از چرخه بازارهای دیگری رود؟

برداشت من این است که بیش از ۹۰ درصد منابع ارز ترجیحی به دست مردم می‌رسد. ببینید! در اقتصاد هیچ چیزی مهم‌تر از تناسب و هماهنگی نیست. وقتی در کشور تورم ۴۰ درصدی دارید و در کنار آن، نمی‌توانید حقوق کارگو و کارمند را بیشتر از ۲۵ درصد افزایش دهید، نمی‌توانید بگویید که من با توزیع کالابزرگ الکترونیکی مخالفم. مردم تأمین می‌کند. بلکه اگر می‌شود کل اقتصاد را درست کنید، بهتر است که نرخ ارز یکسان باشد و باران‌ها حذف شود و اقتصاد رقابتی باشد. اما از آن طرف باید کاری هم بکنید تا بتوانید تورم را پایین بیاورید. نمی‌شود که در شرایط تورمی، رانت به نفع مصرف‌کننده ندهیم. نمی‌شود. زندگی مردم مختل می‌شود.

این اتفاق چگونه رخ خواهد داد؟

ببینید، اکنون مسأله اقتصاد ایران این نیست که بخش خصوصی ضعیف است یا قوی. اکنون مشکل بخش خصوصی ایران این است که یک؛ با تحریم بین‌الملل و دو؛ با تحریم داخلی شدید مواجه است. اول باید این تحریم‌ها را رفع کرد.

تحریم داخلی چیست؟

تحریم داخلی این است که هیچ نهاد مالی در کشور نیست که بخش خصوصی از آن استفاده کند. امروز بانک‌ها دولتی و ورشکسته هستند و ساختار مالی غلطی دارند. بانک‌ها قادر نیستند منابع لازم را تجهیز کنند. مگر بخش خصوصی می‌تواند بدون اینکه بانک‌ها در تجهیز منابع به او کمک کنند، حرکت کند؟ در هیچ کجا بخش خصوصی نمی‌تواند بدون تجهیزات منابع از سوی بانک‌ها حرکت کند. کدام کشور یا کدام بخش خصوصی را می‌توان سراغ گرفت که صرفاً با یک بر سرمایه در گردش خودش صنعتی تأسیس کند؟ این طور نیست که مثلاً در دنیا، سرمایه‌گذاران صنعتی خودشان منابع مورد نیاز را داشته باشند. این وضعیت بسیار کم اتفاق افتاده است. بنابراین، آنچه در ایران به عنوان مسائل جدی بخش خصوصی مطرح است، یکی این است که بخش خصوصی با تحریم‌های بین‌المللی روبه‌روست که دسترسی او را به بانک و فناوری جدید و بازار محدود می‌کند. از سوی دیگر در داخل هم هیچ پروژه‌ای از بخش خصوصی نیست که بانک‌ها بتوانند آن را پشتیبانی کنند، حتی پروژه‌های کوچک را.

اما شما برای تأمین نقدینگی خرید سایپا، با بانک شهریک کنسرسيوم تشکیل دادید که رقیب شما آقای زنجانی برای همین از شما انتقاد کرد.

اینها با بانک حرف‌هایی هست که رقیبا ممکن است علیه یکدیگر بزنند. اما درباره تأمین مالی، تا زمانی که شرایط ایران به لحاظ روابط بین الملل و داخلی درست نشود، نمی‌توان کاری کرد. این مسأله مشکلات زیادی برای اقتصاد ما داشت. همین الان مگر کشور با مشکل برق روبه‌رو نیست؟ چرا وضع برق به اینجا رسید؟ در دوره آقای زنکته و بطرف در وزارت نیرو و حتی در دوره احمدی‌نژاد، رشد تولید برق سالانه بیش از ۷ درصد بود. در آن دوران تقریباً متوسط نرخ فروش برق سه سنت (CENT) بود. امروز وقتی نرخ فروش برق کمتر از یک سنت می‌شود، طبیعی است که سرمایه‌گذاری اتفاق نمی‌افتد، خطوط انتقال توسعه نمی‌یابد و نیروگاه‌های متسهلك جایگزین نمی‌شوند. من به آقای پزشکیان گفتم که ما در گره اقتصادیمان، سه نیروگاه داریم که به صندوق توسعه ملی بدهکار هستند. الان در به در این سه نیروگاه که می‌کند که این سه نیروگاه را مجانی به او واگذار کنیم. وقتی شما تولیدکننده برق را به نقطه‌ای رساندید که می‌گوید حتی حاضرم نیروگاه‌م را مجانی واگذار کنم و بروم، معنی‌اش این است که یک جای

اما شما برای تأمین نقدینگی خرید سایپا، با بانک شهریک کنسرسيوم تشکیل دادید که رقیب شما آقای زنجانی برای همین از شما انتقاد کرد.

اینها با بانک حرف‌هایی هست که رقیبا ممکن است علیه یکدیگر بزنند. اما درباره تأمین مالی، تا زمانی که شرایط ایران به لحاظ روابط بین الملل و داخلی درست نشود، نمی‌توان کاری کرد. این مسأله مشکلات زیادی برای اقتصاد ما داشت. همین الان مگر کشور با مشکل برق روبه‌رو نیست؟ چرا وضع برق به اینجا رسید؟ در دوره آقای زنکته و بطرف در وزارت نیرو و حتی در دوره احمدی‌نژاد، رشد تولید برق سالانه بیش از ۷ درصد بود. در آن دوران تقریباً متوسط نرخ فروش برق سه سنت (CENT) بود. امروز وقتی نرخ فروش برق کمتر از یک سنت می‌شود، طبیعی است که سرمایه‌گذاری اتفاق نمی‌افتد، خطوط انتقال توسعه نمی‌یابد و نیروگاه‌های متسهلك جایگزین نمی‌شوند. من به آقای پزشکیان گفتم که ما در گره اقتصادیمان، سه نیروگاه داریم که به صندوق توسعه ملی بدهکار هستند. الان در به در این سه نیروگاه که می‌کند که این سه نیروگاه را مجانی به او واگذار کنیم. وقتی شما تولیدکننده برق را به نقطه‌ای رساندید که می‌گوید حتی حاضرم نیروگاه‌م را مجانی واگذار کنم و بروم، معنی‌اش این است که یک جای

بش

مدتی است که شاهد فروکش کردن نزاع‌های سیاسی در کشور هستیم و میان جریان‌های هاد مرد مسائل اصلی کشور همراهی دیده می‌شود. نام این وضعیت وفاق است یا چیز دیگری است؟ این وضعیت نتیجه وفاقی است که بین رئیس جمهوری و ارگان عالی نظام اتفاق افتاده است.

به چه معنی؟

به این معنی که آقای پزشکیان نمی‌گوید آقا یکی، من هم یکی. بلکه می‌گوید هر چه آقا می‌گوید، من هم به همان عمل می‌کنم. یعنی شکاف رئیس جمهوری را به‌ربری تمام شده است. امیدواریم که توافق هسته‌ای هم حاصل شود و کشور نجات پیدا کند.

پیشنهادتان به آقای پزشکیان در این شرایط چیست؟

چه بگویم. همین روال را ادامه دهد خوب است.

کاینه نیاز به تغییر دارد؟

همین‌ها را نگه دارد. چون در صورت تغییر دادن می‌ترسم وضعیت بدتر شود.

به مذاکرات امید دارید؟

سخت شده است.